

عرفان چیست و عارف کیست

عرفان اجتماعی

تعریف عرفان باعتبار انواع و اقسام آن که عبارتند از عرفان دینی ، عرفان اجتماعی ، عرفان نثرادی ، عرفان دموکراتیک و همچنین بادر نظر گرفتن عوامل مؤثر دیگری از قبیل زمان و مکان ، آداب و عادات ، رسوم و اخلاق ، معتقدات دینی و موارد دیگری که مستغنی از ذکر است فرق میکند ولی قدر متیقن اینست که دسته های مختلف یک نوع از عرفان در مسیر طولی و عرضی و نحوه « اعمال » و توجه به « مقامات و احوال » علاوه بر اصل موضوع در اغلب مختصات تشریفاتی نیز بایکدیگر مشترکند و چون منظور از بحث ذکر محسنات عرفان اجتماعی بر سایر انواع عرفان است لذا برای روشن شدن موضوع ، نخست عرفان را بنقل اقوال بزرگان تعریف میکنیم و سپس باصل مطلب که مزیت اجتماعی بر سایر اقسام عرفان میپردازیم .

۱ - عرفان چیست

عرفان عبارت است از راه کشف و شهود برای واصل شدن بحقیقه الحقائق .
عرفان تصفیة قلب و تزکیة روح و تجلیة قلب است برای درک حقیقت و اتصال واقعی بخالق مصدر اول .

عرفان معرفت بعشق است و عشق وسیله وصول بحقیقت .

عرفان مذهب عشق و ذوق است ، و مذهب عشق و محبت از سایر مذهبها جداست ، بهمین جهت اصول افکار و نحوه درک و علم آن از سایر مکاتب فلسفی لذت بخش تر و دل انگیز تر است .

در پیشگاه عرفان باید عقل مزاحم را کنار گذاشت و پای چوبین استدلال را شکست و از دهلیز دل بسراغ عشق رفت .

عرفان مفسر عشق و محبت و ذوق و شوق است و همواره باصفا و وفا و دل قلب سروکار دارد .

عرفان کتابی است که صاحب دلان در مکتب عشق میخوانند .

عرفان خیر محض و محض خیر است و بهمین جهت تمام دلهای پریشان و پشیمان بس به بیابان بی منتهای عرفان میگذارند .

عرفان عقلی را می پسندد که در مکتب عشق تربیت شده باشد .

عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند که در این مسئله سرگردانند

قیاس کردم تدبیر عقل در ره عشق چو شبنمی است که در بحر میکشد رقمی
عرفان معرفت بعشق و محبت است بهمین جهت بحث عرفان از حالیات است نه قالیات .

مادرون را بنگریم و حال را	مابرون را ننگریم و قال را
لب خموش و دل پر از آوازا	برلبش فعل است و بردل رازها
مهر کردند و دهانش دوختند	هر که را اسرار حق آموختند

منشاء عرفان عشق و پایه آن بر محبت است و بوسیله همین محبت است که میتوان تمام شدائد و مصائب روزگار را با سعه صدر و موشکافی دقیق بدون رنج و تعب قبول کرد و در خاطر خویش جهانی از صفا و وفا و عالمی از ذوق و شوق آفرید .

از محبت دیو حوری میشود	از محبت مار موری میشود
از محبت سرکه ها مل میشود	از محبت خارها گل میشود
از محبت دردها شافی شود	از محبت دردها صافی شود

عارف کسی است که از راه کشف و شهود مستقیماً بمعرفت خدا واصل میشود .

مذهب عارف عشق است و باین مایه جاودانی بسراغ معشوق ابدی خود میرود .

عارف با « عین الفؤاد » زیبایی وحدت وجود را در تعینات می بیند .

بس که هست از همه جا و ز همه سوره بتو بتو بر گردد اگر راهروی بر گردد

انوار رحمت الهی بقلب متیابد و او را از « سوئی الله » منقطع کرده از حدود تعینات خارج میسازد .

بنظر عارف موجودات با تمام تنوعات و کثرتی که دارد مظاهر يك (وحدت) اند یعنی همه چیز و همه کس را مظهر حق میدانند و بانگ « لیس فی جُبتی سوی الله » بلند میکنند .

عارف محو و فناء فی الله را اول بقاء و حیات جاودانی میدانند .

عارف معتقد است که بود و نبود و هستی و نیستی با تمام مشخصات و مختصاتش معلول عشق است .

در عدم هم زعشق شوری هست گل گریبان دریده میآید

عارف معتقد است که هستی سدّ راه وصال معشوق است باید ترك علائق کرد تا

در راه وصال سبکبال تر بود .

بذل مال و جان و ترك دین و دل در طریق عشق اول منزل است

عارف معتقد است که هستی موجودات همه قطره وار بدریای با عظمت توحید

و ابدیت خواهد پیوست . انا لله و انا الیه راجعون .

عارف معتقد است که بشر بمناسبت نقص وجودی نمیتواند پی بدقائق و نکات

خلقت و حقیقت ببرد و نباید در سیر وسلوک از ناهمواری ها و موانع آن بهراسد بلکه

باید با کمال جدیت سعی و کوشش کند تا بوصول معشوق برسد .

غمین مشو زفتادن براه عشق که سالک هزار بار در این رهگذار افتد و خیزد

برای بوسه يك جای پای ناچه لیلی هزار مرتبه مجنون زار افتد و خیزد

عارف دشمن آشتی ناپذیر کبر و غرور و خودخواهی و خودبینی است زیرا او

در مکتب ادب و تواضع تربیت شده و درس درستی و فداکاری و نوع پرستی آموخته است .

نردبان این جهان ما و من است عاقبت زین نردبان افتادن است

استخوانش پیشتر خواهد شکست هر که بالاتر رود ابله تر است

دوست را نازار از ما و منت تا نگردد دوست خصم و دشمن

دوست همچون زر بلا چون آتش است زر خالص در دل آتش خوش است

عارف معتقد است که وقتی دهلیز دل بنور معرفت روشن شد آئینه تجلی

خواهد شد .

عارف عشق مجازی را مقدمه و وصول بعشق حقیقی میدانند اما مجاز قنطرة الحقیقة»

عرفان اجتماعی

قدر جامع نظریات حکما و عرفای عالیقدر ایران از قبیل خواجه نصیرالدین

طوسی ، شاه نعمت الله ولی ، عطار نیشابوری ، مولینا جلال الدین رومی ، حاج ملاهادی

سبزواری و همچنین مستشرقین و دانشمندان خارجی از قبیل نیکلسن انگلیسی و

لایاند فرانسوی در مورد تحلیل و ترکیب اقسام عرفان نژادی ، دینی ، دموکراتیک

و عرفان اجتماعی اینست که عرفان اجتماعی بنا بر جهات زیر بر سایر انواع عرفان

مزایا و محسناتی دارد :

۱ - وجهه تعمیمی که آنرا اصطلاحاً وسعت مشرب مینامند زیرا عرفان

اجتماعی محدود بحدّ معینی نیست و در مورد کمک و افاضه بخلق معتقد باصل فیض

عام است در صورتیکه در سایر انواع عرفان مثلاً عرفان دینی و عرفان نژادی

درک فیض و استفاده منحصر اً مربوط بمتابعین و پیروان آن دین و یا ساکنین فلان

سرزمین است .

عرفان اجتماعی ملاک عمل را بر خیر محض و محض خیر و خدمت بخلق و توجه

باعتلائی جامعه قرار داده است و فضائل اخلاقی و صفات عالیّه افراد را در خدمت

بخلق وسیله قرب بحق و دلیل قابلیت میدانند .

در سایر انواع عرفان مواهب آلهی و طبیعی منحصر به پیروان آنهاست و سایرین

بمناسبت نامحرم بودنشان از درک فیض سعادت ایشان محروم اند .

پایه منشاء عرفان اجتماعی بر آزادی ، برابری و برادری است .

بنام بزم محبت که آنجا گدائی بشاهی مقابل نشیند

و حال آنکه انواع دیگر عرفان پیرو مقاومت منفی میباشند .

عرفان اجتماعی درک لذت را در خدمت بخلق میدانند و در تمام شئون و شقوق

زندگی مبارزه مثبت میکند .

در سایر انواع عرفان ، حسّ و نفس و درک عارف صرفاً متوجه خود اوست و

موفقیت را در انزوا و دور بودن از خلق و جامعه میدانند در صورتیکه اصول عرفان

اجتماعی بر پایه خدمت بجامعه و توجه بامور افراد و خدمتگزاری ب مردم است و معتقد است که: عبادت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست سعادت ابدی و جاودانی از نظر عرفان اجتماعی کمک به پیشرفت اخلاق و معنویت جامعه است. و عزات و گوشه گیری را مذموم و مردود میدانند.

صاحبدانی بمدرسه آمد ز خانقاه بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش بدر میبرد ز موج وین سعی میکند که بگیرد غریق را
عرفان اجتماعی بمناسبت نفس عدالت و حقیقت خود با ظلم و جور مبارز میکند
و در تعمیم علم و فرهنگ میکوشد و در مسیر طولی خود همگام با سیر تحول
« EVOLUTION » است و بهمین جهت بطوریکه مشهور است با پیشرفت زمان بر
طرفداران این مکتب عملاً افزوده شده و سایر مکاتب عرفان تحت تأثیر مکتب عرفان
اجتماعی قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مسعود سعد سلمان
نیمه اول قرن ششم هجری

آسایش مردم!

مر خلق را ، ز عمر نیندارم
از مردی و مرّوت بیزارم

روزی که راحتی نرسد از من
گر هیچ آدمی را بد خواهم